

Analysis of Women's Delinquency in Imami Jurisprudence and Classical Criminology

Tahereh Sadat Naimi*

Ibrahim Gasemi**

(Received: 25/04/2021; Accepted: 01/06/2021)

Abstract

Delinquency means acts contrary to order and is an important factor in injuring the social conscience and is dangerous for individuals in society. It is especially important if women, who are one of the most important constituents of society, do such things. Classical criminology with a combination of the usefulness of punishment and justice based on considering the biological, sociological and psychological approach to crime is one of the important characteristics of detection and criminology in the field of women. The disintegration of the family and its instability in terms of religion and function, the means of mass communication and the way the family functions and their relationship with each other are among the most important factors of women delinquency that are considered in classical criminology and are sometimes effective in issuing jurisprudential rulings and criminal law based on it. Therefore, the main question is: In what areas has the crime of women been established from the perspective of classical criminology and to what extent is it related to the principles and teachings presented in Imami jurisprudence? In the present study done by descriptive-analytical method, we have concluded that the most important components of Islamic criminal policy in preventing female delinquency are reflecting on the maternal role of women and mapping functions and methods to prevent delinquency. Also, the turning point of the discussions related to women's delinquency in the concepts of pre-jurisprudence and classical criminology is the reflection on all dimensions of the crime or offense, which can be used with imaginary and affirmative presuppositions of pre-jurisprudential concepts to prevent other delinquencies in the field of women.

Keywords: Women Delinquency, Classical Criminology, Women Rulings, Delinquency Talent.

* Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), naimi.sadat@iiu.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, e.qasemi@urd.ac.ir.

مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده

سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۲۳-۱۴۳

«مقاله پژوهشی»

واکاوی بزهکاری زنان در فقه امامیه و جرم‌شناسی کلاسیک

طاهره سادات نعیمی*

ابراهیم قاسمی**

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱]

چکیده

بزهکاری به معنای اعمال منافی نظم و عامل مهم جریحه‌دارشدن وجدان جمعی و خطرآفرین برای آحاد جامعه است. اگر زنان، که یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده جامعه‌اند، چنین اعمالی انجام دهند اهمیت خاصی پیدا می‌کند. جرم‌شناسی کلاسیک با ترکیبی از سودمندی مجازات و عدالت مبتنی بر در نظر گرفتن رویکرد زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی جرم از شاخصه‌های مهم در تشخیص و جرم‌انگاری در حیطة زنان است. از هم گسیختگی خانواده و تزلزل آن از لحاظ مذهبی و عملکردی، وسایل ارتباطات جمعی و نحوه عملکرد خانواده و ارتباط آنها با یکدیگر از مهم‌ترین عوامل بزهکاری زنان است که در جرم‌شناسی کلاسیک به آن توجه شده و گاه در نحوه صدور حکم فقهی و حقوق جزا بر اساس آن تأثیرگذار است. بنابراین، پرسش اساسی این است که: بزهکاری زنان از منظر جرم‌شناسی کلاسیک در چه زمینه‌هایی تثبیت شده و تا چه اندازه با مبانی و آموزه‌های مطرح‌شده در فقه امامیه مرتبط است؟ در جستار حاضر که با روش توصیفی‌تحلیلی انجام شده، به این نتیجه رسیده‌ایم که مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص سیاست جنایی اسلام در پیش‌گیری از بزهکاری زنان، تأمل در نقش مادرانه زنان و ترسیم کارکردها و روش‌های مانع‌آفرین در جهت رسوخ و رخداد بزهکاری است. همچنین، نقطه عطف مباحث مربوط به بزهکاری زنان در مفاهیم پیشافقهی و جرم‌شناسی کلاسیک تأمل در تمامی ابعاد بزه یا جرم است که با پیش‌فرض‌های تصویری و تصدیقی مفاهیم پیشافقهی برای جلوگیری از بزهکاری‌های دیگر در حیطة زنان قابل استفاده است.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری زنان، جرم‌شناسی کلاسیک، احکام النساء، استعداد بزهکاری.

* استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلام‌شهر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

naimi.sadat@iiu.ac.ir

** استادیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران qasemi@urd.ac.ir

طرح مسئله

بزهکاری به معنای مجموعه اعمال و رفتاری است که از لحاظ روان‌شناختی موجبات جریحه‌دارشدن وجدان جمعی را فراهم می‌کند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۱۱۶-۱۱۷) و از لحاظ دانش جرم‌شناسی و حقوق مجموعه عملکردهایی است که برای آحاد جامعه خطر آفرین باشد. همچنین، به معنای فعل یا ترک فعلی است که بر اساس قانون مشمول مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی قرار گیرد (عباسی، ۱۳۸۸: ۵۳). به دیگر بیان، نوعی کنش ارادی است که از فرد سر می‌زند و برخلاف هنجارها و ارزش‌های متداول در جامعه است (ستوده و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸).

با توجه به نقش مهم زنان در خانواده و جامعه، بزهکاری مترتب بر اعمال این قشر، تأثیر بسیار در تزلزل بنیان خانواده‌ها خواهد داشت. به همین دلیل، تحلیل علل بزهکاری زنان به صورت ذاتی مهم است. زیرا نظام قانونی و حقوقی اسلام بر رعایت و تضمین حقوق زن تأکید کرده و از لحاظ کمیّتی، بخش چشمگیری از جمعیت کشور هستند و در عرصه‌های مختلف حضور دارند. با توجه به اینکه دین اسلام به عنوان دینی همه‌جانبه با اهتمام به ابعاد فردی و اجتماعی انسان، خصوصیات و زیستگاه‌های او در واقع به اقدامات مهمی برای مبارزه با بزهکاری اهتمام می‌ورزد، دارای مبانی مبتنی بر حفظ ارزش‌های اخلاقی، احتفاظ کیان خانواده، بقای نسل و حفظ سلامت انسان است که بر اساس توجه اسلام به مصادیق مخرب بزهکاری زنان به عنوان انسان‌های تأثیرگذار در خانواده و جامعه صورت گرفته است.

مهم‌ترین مصادیق بزهکاری زنان در حیطه ضد اخلاقیات عمومی و اعمال منافی عفاف در اموری همچون روسپی‌گری، مساحقه، ارتباطات نامشروع (مشمول بر خیانت عاطفی و جنسی به همسر)، شهادت دروغ، سقط جنین، قتل همسر و آزار او، سرقت و پنهان کردن اموال مسروقه و قاچاق مواد مخدر است که افزون بر تحلیل ابعاد آن در عرصه جرم‌شناسی کلاسیک، در فقه امامیه در موقعیت‌های مختلف، احکام جزایی اش صادر شده است. لذا هر یک از احکام جزایی متناسب با جرائم مذکور در اسلام بر اساس مبانی ارزشمندی از قبیل «رحمت»، «مصلحت»، «عدالت» و «رفع مفسده» وضع شده است. در منطوق آیاتی از قرآن کریم هم به هدف مهم ایجاد قسط و عدالت مترقی در جامعه اشاره شده (حدید: ۲۵) و بر وجود منافع عظیم مبتنی بر مصادیق حاصل از عدالت و قسط تأکید شده است. مقوله‌ای که فارغ از هر گونه انتقام‌جویی، تعصب و آسیب به دیگران بوده و جنبه ترمیمی و ترفیعی از لحاظ ایجاد امنیت و تعدیل ارتباطات انسانی در نهاد

جامعه اسلامی را به ذهن متبادر می‌کند. چنان‌که در آیاتی از قرآن به عملکردهای شنیع جنسی به عنوان یکی از مخرب‌ترین مصادیق بزهکاری و تأثیرات انکارناپذیر آن در نسل‌های آتی اشاره شده است (عنکبوت: ۲۹ و ۳۴-۳۵؛ حجر: ۷۳-۷۵؛ هود: ۸۲-۸۳؛ شعراء: ۱۷۲-۱۷۳).

احتفاظ حرمت نسل و منع از اختلاط آن، که در سرنوشت جوامع تأثیرگذار است، یکی از مبانی مهم جلوگیری از بزهکاری‌های جنسی است که بر اساس فطرت پاک انسانی صورت گرفته است. افزون بر این، جلوگیری از انحراف در طبیعت انسانی و فطرت پاک الاهی‌اش با توجه به تأثیرگذاری بُعد روحانیت انسان در ایجاد کمال و گسترش توانمندی‌های فردی و اجتماعی، زمینه را برای پیشرفت جامعه فراهم می‌کند. ارتکاب مصادیق بزهکاری در منطق قرآن مخالفت در مقابل قانون طبیعت و فطرت پاک انسانی دانسته شده است (شعراء: ۱۶۵-۱۶۶) و مرتکبان این نوع از بزهکاری را واجد شدیدترین حدود معرفی می‌کند. از سوی دیگر، در جوامع امروزی و در عرصه‌های مختلف بزهکاری شاهد افزایش نرخ بزهکاری زنان و نیز مشارکت آنها در جرایمی هستیم که تاکنون به مردان اختصاص داشت، به‌ویژه در جرایم سازمان‌یافته که زنان، قربانی گروهی از این جرایم هستند، به دلیل برخی ویژگی‌های جنسیتی‌شان امکان حضورشان در این عرصه بزهکاری فراهم شده است.

زنانی که مصادیق گوناگونی از بزه را مرتکب می‌شوند به عنوان انسانی بزهکار در پیکره خانواده و جامعه ایجاد تزلزل می‌کنند. گذشته از آثار مترتب بر اعمال موسوم به بزه و جرم، بر اساس جرم‌شناسی کلاسیک، چندین جنبه از این پدیده در خور بررسی و تأمل است. افزون بر این، مکاتب حقوق کیفری کلاسیک با مکاتب جرم‌شناسی کلاسیک متفاوت است و اساساً دو مقوله جداگانه را بررسی می‌کنند. مثلاً حقوق‌دانان عرصه مکتب کلاسیک، در واقع، افرادی هستند که به آزادی اراده مجرمان در ارتکاب جرم اعتقاد دارند. لذا مسئولیت اخلاقی و مجازات مجرم را مجاز می‌دانند. منظور از حقوق‌دانان تحقیقی کسانی هستند که منکر اراده آزاد مجرم در ارتکاب جرم هستند و به جبر زیستی یا اجتماعی معتقدند (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۸۲/۱ و ۹۵). لذا می‌توان مکتب کلاسیک را «مکتب آزادی اراده» نامید.

مکاتب حقوق کیفری کلاسیک با ترکیبی از سودمندی مجازات و عدالت مطلق که در آن انسان را موجودی با اراده کامل دانسته و سنجش قبح نتایج اعمال او را مترتب بر وجود اراده او می‌دانند، به عملکرد انجام‌شده، یعنی جرم یا بزه، توجه می‌کنند و مجرم را از لحاظ جسمی و روحی لحاظ نمی‌کنند (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۵).

به طور کلی، سه رویکرد زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در جرم‌شناسی کلاسیک راجع به قشر زنان، مطرح و در خور تحلیل است. با این حال، در جرم‌شناسی کلاسیک ندرتاً به زنان توجه می‌شود، اگرچه در این خصوص پژوهش‌هایی به صورت جزء‌پژوهی صورت گرفته است، مثلاً لومبروزو با نوشتن کتاب زن بزهکار، زن روسپی و زن بهنجار بزهکاری زنان را بررسی کرد. لذا جرم‌شناسان مکتب تحقیقی یکی از پایه‌گذاران رویکرد کلاسیک به بزهکاری زنان هستند. زیرا نگرش‌های فلسفی راجع به جرم مطرح نبود، بلکه تأکید بر مجرم بود. علل بزهکاری را باید در خود بزهکار جست‌وجو کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۸). این در حالی است که هفتصد سال قبل از پژوهش‌های مذکور، در فقه امامیه، در مباحثی موسوم به «احکام النساء والأسرة» به مباحث مربوط به زنان و احکام جزائی، که بخشی از احکام زنان بوده، پرداخته شده و مبنای بسیاری از احکام جزایی و قضایی در نظام حقوقی کنونی قرار گرفته است.

لذا پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای بین اسلام و مکتب نوپدید جرم‌شناسی کلاسیک، با بهره‌گیری از منابع حقوقی و استقرا در مفاهیم فقهی و پیشافقهی با پرسشی اساسی مواجه است: بزهکاری زنان از دید دانش جرم‌شناسی کلاسیک در چه اموری تثبیت شده و با مبانی فقهی و مفاهیم فقه امامیه چه ارتباطی دارد؟
قبل از ورود به بحث اصلی، ذکر دو نکته، یکی به منزله پیش‌فرض و دیگری به منزله فرضیه، ضروری است:

۱. رفتارهای بزهکارانه در ارکان خانواده و محیط پیرامون زنان و رعایت‌نشدن تعادل در این محیط، احتمال بزهکاری زنان را افزایش می‌دهد.

۲. در نگرش جرم‌شناسی کلاسیک، زمینه‌ها و ریشه‌های جرایم مبتنی بر بزهکاری زنان، و مفاهیم پیشافقهی مؤثر در تعیین حکم فقهی مربوط به جرائم زنان مشهود است. مفاهیم پذیرفته‌شده تحت عنوان قضایای اولیه و حقیقیه در گزاره‌های دینی وجود دارد که می‌تواند مبنای صدور حکم فقهی قرار گیرد.

پژوهش حاضر در قالب دو قسمت اصلی تدوین شده است. ابتدا رویکردهای جرم‌شناسی کلاسیک در بزهکاری زنان بررسی می‌شود. سپس شناخت بزهکاری زنان در مبانی فقه امامیه در قالب قضایای خارجی و حقیقیه ذکر می‌شود و در این حیطه نقطه عطف بزهکاری زنان در مفاهیم پیشافقهی و جرم‌شناسی کلاسیک تحلیل و بررسی خواهد شد.

۱. رویکردهای جرم‌شناسی کلاسیک در بزهکاری زنان

جرم‌شناسی کلاسیک برای احتساب و تشخیص ابعاد جرم‌های مبتنی بر بزهکاری زنان، به رویکردهای زیر اهتمام می‌ورزد:

۱.۱. رویکرد زیست‌شناختی مبتنی بر خصوصیات زیست‌محیطی زنان بزهکار

یکی از رویکردهایی که در جرم‌شناسی کلاسیک درباره بزهکاری زنان وجود دارد، رویکرد زیست‌شناختی است. این دیدگاه ویژگی‌های زیستی را در مطالعات جرم‌شناختی مد نظر قرار می‌دهد. چنین رویکردی علت تامه بزهکاری فرد را ویژگی‌های زیستی او می‌داند. ارتکاب جرم به این سبب است که مرتکب از نظر زیستی مستعد ارتکاب جرم است و این به دلیل ویژگی‌های ژنتیکی یا به دلیل خصوصیات خاص اعضای بدن، ناشی از وراثت، است. توجه به شکل ظاهری افراد و تقسیم‌بندی آنها بر اساس آناتومی بدن که در قالب مطالعات تیپ‌شناسی قابل ارزیابی است در این رویکرد جایگاه ویژه‌ای دارد. از پیشگامان این نظریه می‌توان به ویلیام شلدون و کرچمر اشاره کرد که به تأثیر ریخت بدنی افراد در رفتار آنان و نیز تأثیر آن در پدیده مجرمانه پرداختند. در این دیدگاه به تأثیر اختلالات زیستی، جسمی و هورمونی در بزهکاری نیز توجه می‌شود و معتقدند برخی از نواقص ژنتیکی، رفتاری و جسمی در افراد ممکن است زمینه ارتکاب جرم از ناحیه آنان را در آینده بیشتر کند. یکی از تحقیقات انجام‌شده درباره سیستم عصبی و نقش آن در بزهکاری است. لئوته معتقد بود سیستم عصبی پسران در مراحل اولیه رشد از سیستم عصبی دختران آسیب‌پذیرتر است و این در اختلاف بزهکاری زنان مؤثر است (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۱۵۵).

این رویکرد، ضعف فیزیکی، طرز عمل غدد داخلی و ترشح هورمون‌های خاص در سنین نزدیک به بلوغ دوران یانستگی و پیری زنان را علت اصلی قلت آمار جرائم زنان در مقایسه با جرائم مردان می‌داند. هرچند تأثیر عوامل زیستی را در بزهکاری نمی‌توان انکار کرد اما در نقش آن نیز نمی‌شود غلو کرد. به طور کلی، راجع به رویکرد زیست‌شناختی انتقادهایی از جمله بی‌توجهی به تأثیر سایر عوامل و بی‌توجهی به یافته‌های علمی وجود دارد. مهم‌ترین نقد آن است که نسبت بزهکاری زنان به مردان در جوامع مختلف و زمان‌های مختلف تفاوت دارد. همچنین، زنی که در خانواده‌ای پرورش یابد که از لحاظ اعتقادی و مذهبی سست یا از هم گسیخته باشد، زمینه بیشتری برای ارتکاب اعمال موسوم به بزهکاری خواهد داشت (قائمی، ۱۳۶۹: ۲۰-۲۲؛ بیابانگرد، ۱۳۷۶: ۱۷). به همین دلیل است که فقیهان^۱

همواره در ابتدای کتاب نکاح و در قسمت مقدمات به نکات مهمی راجع به انتخاب همسر، از جمله اصالت خانوادگی و پرورش در خانواده‌ای اصیل، اشاره و بر آن تأکید کرده‌اند.

در مبانی فقهی، درباره اینکه وراثت و خصوصیات زیست‌محیطی در بزهکاری، خصوصاً بزهکاری زنان، مؤثر است یا خیر، روایات فراوانی ذکر شده است، مثلاً سفارش پیامبر ﷺ به پرهیز از انتخاب زنانی که در خضراء‌الدمن پرورش یافته‌اند (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۰۵؛ همو، ۱۴۱۳: ۳۹۱/۳)؛ نهی امام صادق (علیه السلام) از نزدیک شدن به افراد کوتاه‌فکر و احمق (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۳۷/۱۰۰) و ترغیب ایشان به ازدواج با زنانی که در خانواده‌ای پاکدامن رشد کرده‌اند، به دلیل مؤثر بودن عرق (زن) در نسل و فرزندان^۲ و ... که همگی نشان‌دهنده نقش تأثیرگذار این رویکرد در بزهکاری زنان است.

۲.۱. رویکرد روان‌شناختی مبتنی بر شاخص‌های روانی زنان بزهکار

یکی دیگر از رویکردهای کلاسیک که در تبیین بزهکاری زنان همواره مد نظر بوده رویکرد روان‌شناختی است. بر این اساس، علت بزهکاری را باید در مسائل روانی افراد جست‌وجو کرد. مثلاً چنین استدلال کرده‌اند که رآوردن زنان به جرائم جنسی به دلیل اختلالات روانی آنها، همچون عقب‌ماندگی ذهنی، تکوین‌یافته‌نبودن شخصیت و تلقین‌پذیربودن آنها است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۳۰۴). مسائل روانی در بزهکاری به دو گونه تأثیر می‌گذارد. گاه عوامل روانی زمینه‌ساز و مستعدکننده بزهکاری است و گاه علت تامه بزهکاری یا نابهنجاری.

ظاهراً زمینه تاریخی این رویکرد به نظریه فروید برمی‌گردد. او برخی عوامل روانی مانند اضطراب، بی‌ثباتی شخصیت و عواطف منفی را از عوامل مستعد بزهکاری می‌دانست. زنان و مردان از لحاظ روانی تفاوت‌های مهمی دارند. همچنان که تفاوت‌های رفتاری و فیزیکی بسیاری بین آنها حکم‌فرما است. وجود حالات عاطفی، ادراکات عقلانی را متأثر می‌کند. هر چقدر عواطف قوی‌تر باشد تأثیر و تأثر بیشتر خواهد بود. لذا علی‌رغم آنکه زن و مرد در آفرینش مساوی‌اند، ولی زنان به دلیل قدرت عاطفی بیشتر، از شکوفایی عقلانی کمتری برخوردارند (جمعی از خواهران طلبه حوزه‌های علمیه، ۱۳۷۹: ۳۹). برخی آزمون‌های روخوانی و درک مطلب ثابت می‌کند که دختران از لحاظ گفتاری توانمندی بیشتری نسبت به پسران دارند. همین موضوع باعث پرخاشگری بیشتر آنان در مقایسه با پسران می‌شود (بار، ۱۳۸۳: ۴۳).

از دیگر مفاهیم روان‌شناختی مهم، ترس، اضطراب و عزت نفس است. درباره ترس و اضطراب باید گفت بر اساس مطالعات، دختران مضطرب‌تر و هراسناک‌تر از پسران هستند. اضطراب نزد

زنان بیشتر است. همین مسئله می‌تواند زمینه‌ساز برخی نابهنجاری‌ها در رفتارهای انحرافی بین آنها باشد. در نتیجه سهم عوامل روانی، به‌ویژه ترس، اضطراب، عواطف، پرخاشگری و ... در وقوع رفتار بزهکارانه چشمگیر است.

دیدگاه روان‌شناختی، جرم را ناشی از اختلال در شخصیت فرد می‌داند. بی‌توجهی به سایر عوامل مانند عوامل فرهنگی و اجتماعی در بروز رفتار مجرمانه از مهم‌ترین نقدهای وارد بر این رویکرد است، زیرا جامعه‌پذیری می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش مهمی ایفا کند. نقش عوامل روانی به حدی که برخی از محققان این رشته به آن قائل‌اند پذیرفتنی نیست و اگر عوامل درونی در آن حد توانایی داشتند که به‌تنهایی فرد را به سوی رفتار مجرمانه سوق دهند، آنگاه باید تمام افرادی که دچار اختلالات روانی هستند دست به ارتکاب رفتار مجرمانه بزنند اما مطالعات خلاف این را ثابت می‌کند. زیرا مرتکبان جرائم که اختلالات شخصیتی و روانی دارند در اقلیت‌اند. بزهکاران نیز مانند سایر افراد جامعه از سلامت روانی و جسمانی برخوردارند (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

مشابه این مطلب در روایات کثیری که از ادله اصلی استنباط احکام است بیان شده است. پیامبر ﷺ درباره تأثیر عملکرد مادر یا حالات روحی‌اش در جنین می‌فرماید: «الشقی من شقی فی بطن امه والسعید من سعد فی بطن امه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۱/۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۴/۲۷). این ناشی از اجبار خوش‌بختی یا بدبختی فرد در دوران جنینی‌اش نیست، بلکه تأثیرات ناشی از حالات روحی مادر در جنین یا شرایط زیست‌محیطی او است. آموزه‌هایی این‌چنین در ۱۴۰۰ سال پیش از تأثیرات عوامل زیست‌محیطی، وراثت و ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی در بروز بزهکاری زنان سخن به میان آورده است. لذا به نظر می‌رسد شخصیت روانی فردی که دچار اختلال شده، اگر محیط اجتماعی‌اش سالم باشد و زمینه‌های منفی نداشته باشد به‌تنهایی قادر نیست فرد را به سمت بزهکاری سوق دهد، اما اگر شرایط محیطی زمینه‌ساز رفتار بزهکارانه باشد و فرد از لحاظ روانی و شخصیتی دچار اختلال شود، احتمال کشیده‌شدن فرد به سمت بزهکاری، قوی خواهد بود.

۳.۱. رویکرد جامعه‌شناختی مبتنی بر نابهنجاری جامعه و نقش آن در بزهکاری زنان

رویکرد جامعه‌شناختی به نقش محیط اجتماعی و نحوه جامعه‌پذیری افراد و تأثیر نهادهای اجتماعی همچون خانواده، مدرسه، گروه دوستی و سایر مسائل اجتماعی در پدیده بزهکاری می‌پردازد. بر اساس یافته‌های علمی جرم‌شناسان، در بسیاری از مواقع وضع نابهنجاری جامعه زمینه‌ساز بزهکاری است. در خصوص زنان هم بر اساس تمایزات اجتماعی و نقش‌های جنسیتی

که به آنها داده می‌شود، می‌توان به رویکرد اجتماعی توجه کرد. برخی محققان معتقدند می‌توان راجع به تعمیم نظریه‌هایی که درباره مردان است، بزهکاری‌شان را توجیه کرد (معظمی، ۱۳۸۳: ۵۳۲). اختلاف فرهنگی راجع به نحوه اجتماعی کردن زنان و نظارت شدیدی که بر دختران و زنان درباره ماندن در خانه اعمال می‌شود بر میزان مجرمیت‌شان مؤثر است. از اولین جامعه‌شناسانی که به رویکرد اجتماعی توجه کردند امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، بود. او بزهکاری را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانست که وجدان جمعی را آزرده می‌کند و در مقابل، واکنش جامعه را به دنبال دارد. او ضمن تأکید بر تأثیر محیط اجتماعی در بزهکاری، قلت بزهکاری زنان در مقایسه با مردان را به دلیل موقعیت‌های اجتماعی و درگیر نشدن آنها در مسائل اجتماعی می‌داند. لذا پس از مطالعه بر روی خودکشی زنان نتیجه می‌گیرد که اگر زنان کمتر مرتکب خودکشی یا قتل می‌شوند به این دلیل نیست که از نظر فیزیولوژیکی با مردان متفاوت‌اند، بلکه از فرصت‌های لازم برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی برخوردار نبوده‌اند و به همین دلیل، کمتر در معرض مرگ و میرهای تصادفی قرار دارند (بست، ۱۳۷۷: ۳۰). به نظر می‌رسد میزان دسترسی کمتر به وسایل مشروع برای رسیدن به اهداف موفقیت‌آمیز، و از طرفی مخالفت و نکوهش شدیدتر جامعه راجع به اعمال مجرمانه زنان نسبت به مردان در کاهش نرخ ارتكابی جرم از ناحیه زنان نسبت به مردان بی‌تأثیر نباشد.

توجه یک‌سویه به نقش محیط اجتماعی در گرایش افراد به سمت بزهکاری و بی‌توجهی به اراده مرتکبان از مهم‌ترین ایرادهای این رویکرد است. این دیدگاه اعتقاد دارد اگر فردی سالم در محیط نابهنجار قرار گیرد بزهکاری‌اش حتمی خواهد بود. در حالی که بسیاری از افراد در همین محیط رشد، و مدارج ترقی را سپری می‌کنند، بی‌آنکه رفتار مجرمانه در پرونده‌شان ثبت شده باشد. بر اساس رویکرد اجتماعی، یکی از دلایل پایین بودن نرخ ارتكاب جرایم زنان مهیانشدن فرصت‌های لازم برای جذب زنان در فعالیت‌های اجتماعی و دور شدن آنها از موقعیت‌های اجتماعی است. یعنی اگر زمینه‌ای فراهم شود که زنان در جامعه به میزان مردان فعال باشند و صاحب مشاغل و مسئولیت‌های مردانه شوند، به همان میزان هم مرتکب جرم خواهند شد. این نکته نیز در خور توجه است که در جوامع غربی، که شاهد حضور روزافزون زنان در مشاغل و مسئولیت‌های اجتماعی هستیم، باز هم فاصله محسوسی بین بزهکاری آنان و مردان دیده می‌شود.

۲. مؤلفه‌های شاخص سیاست جنایی اسلام در پیش‌گیری از بزهکاری زنان

مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص سیاست جنایی اسلام در پیش‌گیری از بزهکاری زنان در قالب‌بندی‌های

مبتنی بر فرآیند تنظیم نظام تربیتی و اخلاقی شکل می‌گیرد. تفصیل این فرآیند چنین است:

۱.۲. توجه به نقش مهم عملکرد مادرانه

یکی از عوامل مهم در پیش‌گیری از بزهکاری زنان، توجه‌دادن آنان به نقش مهمشان در ایفای رسالت مادرانه‌شان در حق فرزندان است. بی‌تردید، کودک حتی قبل از ولادت تأثیراتی را از مادر می‌پذیرد. به همین دلیل در منطوق روایات معصوم، زمینه و مقدمه خوش‌بختی و نیک‌بختی در شکم مادر فراهم می‌شود^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۸۱). از این‌رو در رویکرد فقه‌الحدیثی به عنوان یکی از ادله ثبوت احکام شرعی، روایاتی مبنی بر انتخاب زن آرمانی، شاخص‌های زن را پاکدامنی، دارای اصل و نسب شایسته و زمینه‌ساز برای تربیت نسل صالح معرفی می‌کند، چراکه چنین زنانی قادر به تربیت نسل‌های ماندگار، صالح و پاک‌دست خواهند بود.

۲.۲. ترسیم کارکردهای مانع‌آفرین در بزهکاری، برخاسته از منطق اسلام

شناخت نظام‌مند جایگاه مادر و نقش ماهوی او در پیشبرد اهداف خرد و کلان نهاد خانواده در کارکردهای ذیل متجلی می‌شود:

الف. کارکرد خودسازی و دیگرسازی

مهم‌ترین کارکرد جایگاه مادر در خودسازی یا تهذیب نفس او و پرهیز از عملکردهای منفی و اهتمام به ارزش‌های مثبت و در خور تأمل است. عنصر اصلی و اساسی خودسازی، که مقدمه‌ای برای دیگرسازی است، در بی‌اعتنایی به تجملات بی‌ارزش، کسب علم، فرزاندگی و بی‌پیرایگی سازمان می‌یابد. لذا در صورت دارا بودن افکار شفاف و خصوصیات پاک، قابلیت دیگرسازی و شفاف‌سازی تفکرات و خصوصیات اخلاقی فراهم می‌شود.

ب. کارکرد الگوسازی و الگوسوزی

یکی از ویژگی‌های کودک، تقلید عملکردهای مادر است. زیرا فعالیت‌های دینی و اخلاق‌مدارانه مادر برای کودک، به عنوان پشتیبان و تکیه‌گاه فرزند، نقش کلیدی و تأثیرگذاری ایفا می‌کند. از این‌رو برخی متفکران معتقدند:

زمزمه دینی مادر می‌تواند موجبی برای متدین‌کردن کودک باشد و بالأخره اینکه دامان مادر نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است و مهم این است که در این مدرسه آنچه

کودک می‌آموزد برای همیشه در نزدش باقی می‌ماند. طفلی که پای به عرصه این جهان می‌گذارد آگاهی و نیرویی ندارد، کاملاً متکی به مادر است و تأثیر اخلاقی مادر به گونه‌ای است که حتی می‌توان ادعا کرد که راه و رسم زندگی بعدی کودک ادامه همان راه و رسم مادر در عصر کنونی است (قائمی، ۱۳۷۳: ۱۴۹).

لذا مادر می‌تواند در ایجاد الگو توجه عمیق و دقیق داشته باشد که فرزندش چگونه می‌اندیشد و از چه راهی می‌تواند بر او تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، برخی عملکردها به عنوان سوزاننده رفتارهای بد نقش الگوسوزی ایفا می‌کنند. لذا مادر می‌تواند با سوزاندن برخی اعمال مبتنی بر نگرش‌های منفی و غیراخلاقی در وجود خویش، زمینه‌ساز سوزاندن اعمال منفی برای کودک خویش باشد تا کارکردهای ناپسند الگوهای ناشایست را در عملکرد فرزند به حداقل برساند. برآیند این دو کارکرد، شناخت ماهوی نقش بنیادین مادران در جهت تربیت فرزندان را آشکار می‌کند. به همین دلیل در منطوق روایات معصوم، احترام ویژه به مادر در رأس تمامی امور دنیوی قرار گرفته است^۴ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۲).

۲.۳. ترسیم روش‌های ایجاد مانع برای رسوخ بزهکاری زنان

مهم‌ترین روش‌های مبتنی بر سیاست جنایی اسلام در جهت ایجاد مانع برای بزهکاری زنان تقویت سه عرصه اعتقادی، اخلاقی و عملکردی است که برآیند هر یک حاصل به‌کارگیری روش‌های اساسی ذیل است:

الف. به‌کارگیری اصول و پیش‌فرض‌های مسلم فقهی و اخلاقی

مهم‌ترین پیش‌فرض‌های فقهی و اخلاقی که مادر می‌تواند به کار گیرد چنین است:

- اصل تسامح، آسان‌گیری و تخفیف برای فرزند در موقعیت‌های خاص
- اصل توجه کامل به میزان توانمندی فکری و جسمی فرزند
- اصل مثبت‌نگری راجع به شرایط و ضوابط پیرامون کودک
- اصل حلیت و طهارت موضوعات، اشیا و مصادیق آن تا زمانی که دلیل قطعی برخلاف آن وارد نشود.
- اصل عدالت و انصاف راجع به فرزندان.

ب. به‌کارگیری حسن خلق و گشاده‌رویی در حین پرورش فکری و تربیت کودک

روحیات ارزنده و سودمند وقتی به کودکی آموزش داده شود، به تدریج ملکه او می‌شود و جزء روحیات و شخصیت او در خواهد آمد. پدران و مادران با آموزش دادن این خصلت اخلاقی، فرزندان خود را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کنند (رشیدپور، ۱۳۸۰: ۱۱۷). بی‌تردید نقش مادر به عنوان یکی از والدین در این زمینه مؤثر و کارآمد خواهد بود. منظور از حسن خلق در این بخش، رفتارها و تعاملات مناسب در زندگی و سازگاری و مدارا با افراد است. زیرا پای‌بندی به اصول اخلاقی، نیرومندترین عامل درونی برای مهار افراد در دست‌زدن به اعمال غیرانسانی محسوب می‌شود (نوری، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

ج. صبر و حوصله کافی در فرآیند تعلیم و تربیت

گاه کودکان به مقتضای سن و سالشان در نحوه آموزش با مشکلاتی مواجه می‌شوند. تحمل و صبر لازم در فرآیند آموزش آنها مبنای پیشوایان دینی در آموزش احکام بوده است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۷۲۱/۴).

د. تشویق به عبادات و کارهای نیک در دوران کودکی

اولین شیوه تشویق، اهتمام فعالانه مادر به انجام دادن عبادات است. میزان حساسیت و دقت نظر مادر در امور مذهبی و اهمیت قائل شدن وی برای عبادات و مراسم عبادی، به تدریج موجبات ایجاد احساس علاقه و نشاط در فرزندان را فراهم می‌کند.

ه. زمینه‌سازی برای تربیت صحیح جنسی

زمینه‌سازی برای تربیت صحیح جنسی به این معنا است که بر اساس سیاست‌های مطرح‌شده در اسلام، دختران که در حقیقت زنان آینده کشور هستند به گونه‌ای پرورش یابند که وقتی به سن بلوغ رسیدند علاوه بر اینکه حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهند از لابی‌گری هم پرهیزند و رویه پاکدامنی را در پیش بگیرند تا در گرداب شهوات آلوده نشوند. این روش با تعلیم یا آموزش جنسی متفاوت است. زیرا در لفظ «تربیت»، رشد دادن استعدادها و شیوه‌هایی برای ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و از بین بردن رفتارهای جنسی ناسالم در انسان است، حال آنکه «تعلیم» به معنای یاد دادن، انتقال علم یا دانسته‌ها است که صرفاً به بُعد شناختی انسان وابسته است. از این رو رسالت مادر در تربیت جنسی، که یکی از روش‌های مؤثر در ایجاد تربیت دینی کودک است، عظمت و ارزش بیشتری خواهد داشت. بنابراین، می‌توان گفت در این حیطة،

مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی که اثر غیرمستقیم بر تربیت جنسی کودک دارد و او را از انحرافات جنسی حفظ می‌کند و زمینه را برای رشد سالم جنسی کودک فراهم می‌آورد از خانواده شروع می‌شود که با رویکرد سیاست اسلامی عبارت‌اند از: پرورش فضایل اخلاقی، مانند حیا و پاکدامنی؛ ارزش دادن به کودک و متوجه کردن او به شخصیت و کرامت ذاتی‌اش.

۳. شناخت بزهکاری زنان در مبانی فقه امامیه در قالب قضایای خارجی و حقیقیه

مهم‌ترین بزهکاری‌های زنان در قالب قضایای خارجی و حقیقیه با تبیین نقاط عطف این مسئله در مفاهیم پیشافقه‌ی و جرم‌شناسی کلاسیک چنین است:

۳.۱. وجود نقطه عطف بزهکاری زنان در مفاهیم پیشافقه‌ی و جرم‌شناسی کلاسیک

نقطه عطف مباحث مربوط به بزهکاری زنان در مفاهیم پیشافقه‌ی توجه به تمامی منشأها و ابعاد مد نظر در بزهکاری در جهت پیش‌گیری از بزه است. مفاهیم پیشافقه‌ی که مبتنی بر پیش‌فرض‌ها (اعم از پیش‌فرض‌های تصویری و تصدیقی) است در عین اینکه می‌تواند ظرفیت بزه در زنان را مشخص کند راهکارهای مبنایی را نیز می‌تواند پیش‌نهد، به گونه‌ای که بسیاری از آنها به صورت ارتكازی و به عنوان مبانی تصویری و تصدیقی در زمره بدیهیات قرار گرفته و برای صدور حکم راه‌گشا است. در نتیجه می‌تواند به عنوان لایه‌های زیرین و اساسی تفقه استفاده شود.

مهم‌ترین مفاهیم پیشافقه‌ی بر اساس دیدگاه مبتنی بر خدانشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جهان‌شناسی است، اگرچه در فرآیند تفقه مستقیماً کاربردی ندارد ولی به نوعی در تحدید و تدقیق موضوعات و مسائل مربوط به بزهکاری زنان، توسیع و تضییق دایره مفهومی موضوعات مربوط به بزهکاری زنان در جهت شناخت تمامی ابعاد متصور، اتخاذ نظرگاه‌های کلی فقهی و انتخاب منابع فقه محل تأمل و توجه است. اگرچه به رغم اهمیت مفاهیم پیشافقه‌ی که در رأس تمامی ابواب فقه امامیه قرار دارد تاکنون در دکتترین فقه و حقوق به گونه‌ای شایسته و بایسته به آن پرداخته نشده است. مثلاً در مفاهیم پیشافقه‌ی می‌توان به این نکته توجه کرد که زن به صورت ذاتی و با قطع نظر از داشتن وابستگی‌های عاطفی و احساسی، دارای دو گونه ارتباط با خدا است: ارتباط حاصل از تکوین که در وجودش به ودیعه نهاده شده و ارتباط حاصل از تشریح شارع است، به گونه‌ای که شناخت زن در این ارتباطات می‌تواند برای استنباط احکام عادلانه و منصفانه در صورت وقوع جرم و بزه برای فقیه بسیار مهم باشد.

از این جهت می‌توان گفت اخلاق و گزاره‌های اخلاقی مهم‌ترین مفاهیم و گزاره‌های پیشافقه‌ی

هستند که ضامن سلامت صدور احکام فقهی اند و می‌توانند در رشد اخلاقی اجتماع نیز مفید باشند. مثلاً عدالت و انصاف از مفاهیم پیشافقهی است، زیرا در تمامی موضوعات خانواده ظهور می‌یابد. اگرچه نوع ظهور در موضوعات مربوط به خانواده دارای مراتب مختلف و شدت و ضعف است، با این حال، رعایت عدل و انصاف در خانواده، نقش فراوانی در جلوگیری از وقوع بزهکاری زنان یا ارتکاب جرم از ناحیه ایشان خواهد داشت. همچنین، عمل بر طبق مصلحت به معنای خیر، صواب و صلاح از دیگر مفاهیم پیشافقهی در خانواده است که می‌تواند از بسیاری از بزه‌ها یا جرایم زنان جلوگیری کند.

۳.۲. رسوخ استعداد بزهکاری در قالب‌بندی نقش‌های متنوع زن در خانواده و جامعه و قابلیت رفع آن

با توجه به اینکه زنان در خانواده در قالب نقش‌هایی همچون فرزند، مادر، همسر، پرستار، مربی کودک و دایه فعالیت می‌کنند، پس در قالب‌های مذکور می‌توانند جرایمی از قبیل سقط جنین، سرقت، قتل، خیانت به شوهر، بی‌عفتی و دیگر بزهکاری‌ها را غالباً مخفیانه و متمایز از روش‌های مردانه با ظرافت‌های زنانه، به گیرایی، افسونگری و زیرکی، انجام دهند، چنان‌که در فقه امامیه برای همه اینها در موقعیت‌های متفاوت، احکام گوناگونی وضع شده است (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۳۱۷/۱۸-۳۱۸؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۴۴۲/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۹/۷ و ۶۹۱/۹ و ۶۵۳/۱۰؛ صدوق، ۱۳۸۶: ۵۸۱/۲). مثلاً سقط جنین که به موضوع و مجازات آن در فقه اشاره شده و جز هنگامی که موجب تهدید برای سلامتی مادر و ایجاد خطر برای جان او یا سلامت جسمی و روحی او باشد از محرمات قطعی محسوب می‌شود (فلاح‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۱۱۷). همچنین، در بزه خیانت به شوهر صرفاً لذت‌های زودگذر مطرح نیست بلکه فساد، مسمومیت روح و انحطاط اصول اخلاقی و آداب نیک خانوادگی در آنها و نیز عوامل زیست‌محیطی مؤثر، مطرح است، چنان‌که اسلام، در مبانی و اوامر همان‌طور که محبت شوهر به همسرش را در استحکام خانواده ضروری می‌داند، محبت و وفاداری زن به شوهر را نیز لازم می‌شمرد و جلب رضایت همسر و نیکو شوهرداری کردن زن را نوعی جهاد در راه خدا معرفی می‌کند: «جهاد المرأة حسن التبعل» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۱۴/۷).

در منطق دین اسلام و گزاره‌های فقهی امامیه، رفع آن متصور است. زیرا مباحثی از قبیل پیش‌گیری از وقوع گناه و مقدمات گناه و نیز سدّ ذرائع می‌تواند مقدمات لازم برای جلوگیری از وقوع برخی جرایم و بزهکاری‌ها را که در دین اسلام گناه کبیره معرفی شده، فراهم کند. مثلاً «اگر

تشخیص دهد که شرکت در مجلسی موجب می‌گردد که در معصیت قرار گیرد او را از چنین شرکتی منع می‌نماید» (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷: ۵۷/۱). همچنین، رعایت‌شدن حقوق عاطفی زن از طرف شوهر که در روایات اسلامی بر آن تأکید شده نقش مؤثری در پیش‌گیری از وقوع جرم یا بزه زن دارد. چنان‌که در آیات قرآن (نساء: ۱۹؛ طلاق: ۶؛ اعراف: ۲۹؛ نساء: ۱۳۵) بر مسئول‌بودن مردان در قبال زنان و توجه به حقوق عاطفی آنان تأکید شده است. به‌علاوه، قرآن زوجین را لباس یکدیگر دانسته که حاکی از وظیفه متقابل آنها در رفع و پوشاندن ضعف‌های یکدیگر و از بین بردن مقدمات گناه است (بقره: ۱۸۷).

نتیجه

طبق آنچه گذشت:

- مجموعه رویکردهای جرم‌شناسی کلاسیک در دو حیطه زیست‌شناختی و روان‌شناختی است که می‌توان گفت مربوط به بُعد انسانی و بر اساس تحلیل‌های عقلی است و به شخصیت مبتنی بر حالات جسمی و روحی فرد بزهکار ارتباط دارد. بی‌تردید توجه به شخصیت فرد، که برآیند ابعاد جسمی و اوضاع و احوال روحی او است، در تعیین مجازات‌های متناسب با بزه یا جرم وی عملکردی منصفانه‌تر و عادلانه‌تر در پی خواهد داشت.
- سیاست جنایی اسلام برای جلوگیری از رسوخ و رخداد بزهکاری زنان در واقع به معنای مجموعه دستورالعمل‌های عملیاتی اساسی و کلی برای رسیدن به اهداف جزئی و کلان در عرصه تربیت است که از خانواده فرد شروع می‌شود و در واقع از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت کودک است که در آینده او تأثیرات اساسی بر جا خواهد گذاشت. در این زمینه، مادر به عنوان رکن مهم نهاد خانواده، نقش محوری ایفا می‌کند.
- در روش تشویق که مادر در تربیت فرزند به کار می‌گیرد، اخلاق یا رفتار نیک فرزند باید ستایش شود نه خود او. چنین عملکردی موجب فهم کودک راجع به ارزش کار و رفتار خوب خود می‌شود.
- در جامعه جوان ایران هم، که از یک سو ارزش‌های سنتی و دینی حاکم است و از سوی دیگر ارزش‌های جدید در حال شکل‌گیری است، شاهد تحولاتی همچون رویکرد زنان جامعه به ارزش‌های جدید هستیم. روی آوردن دختران و زنان به محیط‌های اجتماعی همچون دانشگاه‌ها، ادارات، سازمان‌ها، رسانه‌های جمعی، بازار، و مشاغل آزاد که لازمه آن حضور در جامعه و معاشرت با دیگران است، نشانگر تجربه جدیدی برای زنان است که در دهه‌های اخیر حاصل شده است.

- همچنین، مهم ترین ثمره این تجربه، رهایی از محیط خانگی و آشناسدن با محیط های تازه است. علی رغم مزایایی که این تجربه برای زنان به دنبال داشته، باعث یادگیری رفتارهای بزهکارانه از مردان مجرم در این محیط ها شده و به همین دلیل شاهد تغییر الگوی مجرمانه زنان از رفتارهای مجرمانه زنانه به مردانه هستیم. بر اساس نظریه جامعه پذیری، زنان در محیط بسته خانه ابقا می شوند و وظایفی به آنها محول می شود که با ویژگی های جنسیتی شان مطابق باشد.
- توجه و پای بندی به آموزه های فقهی و اخلاقی که اندیشمندان فقه و حقوق و علمای اخلاق در زمینه مسائل مربوط به خانواده مطرح کرده اند می تواند تأثیر معناداری در مصونیت زنان و کاهش نرخ بزهکاری شان داشته باشد.

پی نوشت ها

۱. عبارت شهید ثانی در کتاب النکاح چنین است: «ولیتخیر البکر ... العقیفة عن الزنا الولود الکریمة الأصل بأن یکون أبواها صالحین مؤمنین ولا یقتصر علی الجمال والثروة من دون مراعاة الأصل، والعفة. قال صلی الله علیه و آله إیاکم و خضراء الدمن. قيل: یا رسول الله: و ما خضراء الدمن؟ قال: «المرأة الحسناء فی منبت السوء» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۸۶-۸۸)؛ شیخ انصاری نیز در کتاب النکاح خود می گوید: «منها: اختیار البکر الولود العقیفة الکریمة الأصل کلّ ذلك بحکم الأخبار» (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۲)؛ همچنین نک.: حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۱/۲؛ کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۲ و ۱۲؛ حلی، ۱۳۸۷: ۲/۳؛ سبزواری، ۱۴۲۳: ۷۹/۲.

۲. «تزوجوا فی الحجز الصالح فان العرق دساس».

۳. قال رسول الله ﷺ: «الشَّقِي مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ».

۴. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبْرُ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ».

منابع

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۶). علل الشرائع، قم: کتاب‌فروشی داوری، چاپ اول.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۵). المقنع، قم: مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، الطبعة الاولى.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹). حقوق جزای عمومی، تهران: میزان، ج ۱.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). کتاب النکاح، قم: گنگره جهانی بزرگ‌داشت شیخ انصاری، چاپ اول.
- بار، ویون (۱۳۸۳). جنسیت و روان‌شناسی، ترجمه: حبیب احمدی و بیتا شقایق، شیراز: نشر نوید، چاپ اول.
- بست، ژان میشل (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی جنایت، ترجمه: فریدون وحید، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶). «روان‌شناسی نوجوان: اجتماعی‌شدن و رشد شخصیت ۶»، در: تربیت، ش ۱۱۷، ص ۲۸-۳۲.
- تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد (۱۴۱۰). الروضة البهية فی شرح اللعة الدمشقية، قم: کتاب‌فروشی داوری.
- جمعی از خواهران طلبه حوزه‌های علمیه (۱۳۷۹). زن از دیدگاه ادیان و مکاتب، تهران: نصاب، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل البيت (علیهم السلام).
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط الحدیثة)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثانية.
- حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
- رشیدپور، مجید (۱۳۸۰). رشد اجتماعی از نظر اسلام، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳). کفایة الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ستوده، هدایت‌الله؛ میرزایی، بهشته؛ پازند، افسانه (۱۳۸۱). روان‌شناسی جنایی، تهران: آوای نور.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمود (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کج‌روی، کتاب اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- عباچی، مریم (۱۳۸۸). حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد (با اصلاحات و الحاقات جدید)، تهران: مجد، چاپ دوم.
- فلاح‌نژاد، فاطمه؛ آقامجیدی، تریفه؛ عزیززاده، فاطمه (۱۳۹۶). «سقط جنین از نگاه فقه شیعه و حقوق کیفری ایران

- در مقایسه با حقوق کیفری ژاپن»، در: پژوهش‌نامه زنان، س ۸، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- قائمی، علی (۱۳۶۹). خانواده و کودکان دشوار، تهران: امیری.
- قائمی، علی (۱۳۷۳). نقش مادر در تربیت، تهران: امیری، چاپ نهم.
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه اهل البيت (علیهم السلام)، الطبعة الثانية.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الرابعة.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳). مبانی جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ج ۱.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی ایران، تهران: دانشگاه تهران، چاپ پانزدهم، ج ۱.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر، الطبعة الاولى.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن (۱۴۲۷). دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران: میزان، چاپ دوم.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۳). «بررسی جرم‌شناختی جرایم زنان»، در: علوم جنایی: مجموعه مقالات، تهران: سمت، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). تقریرات درس جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۴). جرم‌شناسی، تهران: آموزش و سنجش، چاپ سوم.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۸). «مشاوره از دیدگاه اسلامی در مقایسه با نظام‌های رایج مشاوره‌ای»، در: مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، س ۲، ش ۴، ص ۵۱-۵۴.
- نوری، اعظم (۱۳۸۹). «عوامل تحکیم و استحکام خانواده»، در: مطالعات زنان و خانواده، س ۳، ش ۷، ص ۱۴۵-۱۷۸.

References

- A Group of Female Students of Seminaries. 2000. *Zan az Didgah Adyan wa Makateb (Women from the Perspective of Religions and Schools)*, Tehran: Advice, First Edition. [in Farsi]
- Abachi, Maryam. 2009. *Hoghugh Keyfari Atfal dar Asnad Sazman Melal Mottahed (Ba Eslahat wa Elhaghat Jadid) (Juvenile Criminal Law in UN Documents (With New Amendments and Additions))*, Tehran: Majd, Second Edition. [in Farsi]
- Ansari, Morteza ibn Mohammad Amin. 1994. *Ketab al-Nekah (The Book of Marriage)*, Qom: World Congress in Honor of Sheikh Ansari, First Edition. [in Arabic]
- Ardebili, Mohammad Ali. 2000. *Hoghugh Jazay Omumi (General Criminal Law)*, Tehran: Balance, vol. 1. [in Farsi]
- Bar, Vion. 2004. *Jensiyat wa Rawanshenasi (Gender and Psychology)*, Translated by Habib Ahmadi & Bita Shaghayegh, Shiraz: Nawid Press, First Edition. [in Farsi]
- Bessette, Jean-Michel. 1998. *Jamehshenasi Jenayat (Sociology of Crime)*, Translated by Fereydon Wahida, Mashhad: Astan Qods Razavi, Second Edition. [in Farsi]
- Biyabangard, Ismail. 1997. "Rawanshenasi Nojawan: Ejtemaishodan wa Roshd Shakhshiyat 6 (Adolescent Psychology: Socialization and Personality Development 6)", in: *Education*, no. 117, pp. 28-32. [in Farsi]
- Fallahnejad, Fatemeh; Aghmajidi, Tarifeh; Azizzadeh, Fatemeh. 2017. "Seght Janin az Negah Feghh Shiah wa Hoghugh Keyfari Iran dar Moghayeseh ba Hoghugh Keyfari Japon (Abortion from the Perspective of Shiite Jurisprudence and Iranian Criminal Law in Comparison with Japanese Criminal Law)", in: *Research Journal of Women*, yr. 8, no. 2, pp. 109-136. [in Farsi]
- Ghaemi, Ali. 1990. *Khanewadeh wa Kudakan Doshwar (Family and Difficult Children)*, Tehran: Amiri. [in Farsi]
- Ghaemi, Ali. 1994. *Naghsh Madar dar Tarbiyat (Role of Mothers in Education)*, Tehran: Amiri, Ninth Edition. [in Farsi]
- Golduziyan, Iraj. 2017. *Hoghugh Jazay Omumi Iran (Iranian Public Criminal Law)*, Tehran: University of Tehran, 15th Edition, vol. 1. [in Farsi]
- Helli, Jafar ibn Hasan. 1987. *Sharae al-Eslam fi Masael al-Halal wa al-Haram (Canons of Islam on the matters of Halal and Haram)*, Qom: Esmailiyan Institute, Second Edition. [in Arabic]

- Helli, Mohammad ibn al-Hasan. 2008. *Izah al-Fawaed fi Sharh Moshkelat al-Ghawaed (Enlightenment of Benefits in Explaining the Problems of the Rules)*, Qom: Esmailiyan Institute, Scientific Press, First Edition. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn al-Hasan. 1988. *Tafsil Wasael al-Shiah ila Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute, First Edition. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn al-Hasan. 1993. *Wasael al-Shiah ila Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute, First Edition. [in Arabic]
- Hoseyni Ameli, Seyyed Jawad ibn Mohammad. 1998. *Meftah al-Keramah fi Sharh Ghawaed al-Allamah*, Beirut: Foundation for the Revival of Heritage, vol. 7. [in Arabic]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1992. *Man la Yahzoroh al-Faghih (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Qom: Islamic Publications Office, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1994. *Al-Moghne*, Qom: Imam Al-Hadi (AS) Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 2007. *Elal al-Sharae (Reasons of Sharia Rules)*, Qom: Dawari Bookstore, First Edition. [in Arabic]
- Jobai Ameli (Shahid Thani), Zeyn al-Din ibn Ali ibn Ahmad. 1989. *Al-Rozah al-Bahiyah fi Sharh al-Lomah al-Dameshghiyah*, Qom: Dawari Bookstore. [in Arabic]
- Karaki, Ali ibn Hoseyn. 1993. *Jame al-Maghased fi Sharh al-Ghawaed (Collection of Intentions in Explaining the Rules)*, Qom: Al al-Bayt Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Keynia, Mahdi. 1994. *Mabani Jormshenasi (Fundamentals of Criminology)*, Tehran: University of Tehran, Fourth Edition, vol. 1. [in Farsi]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Qom: Islamic Books Institute, Fourth Edition. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1989. *Behar al-Anwar al-Jameah le Dorar Akhbar al-Aemah al-Athar (Oceans of Light, the Collection for Pearls of Narrations of the Infallible Imams)*, Beirut: Printing and Publishing Foundation, First Edition. [in Arabic]

- Marashi Shushtari, Seyyed Mohammad Hasan. 2006. *Didgah-hay No dar Hoghugh (New Perspectives on Law)*, Tehran: Balance, Second Edition. [in Farsi]
- Moazzemi, Shahla. 2004. "Barresi Jormshenakhti Jarayem Zanan (Criminological Investigation of Women's Crimes)", in: *Criminal Science: Collection of Articles*, Tehran: Samat, First Edition. [in Farsi]
- Najafi Abrand Abadi, Ali Hoseyn. 2005. *Taghdirat Dars Jormshenasi (Criminology Course Transcripts)*, Tehran: Shahid Beheshti University. [in Farsi]
- Najafi Tawana, Ali. 2005. *Jormshenasi (Criminology)*, Tehran: Education and Assessment, Third Edition. [in Farsi]
- Nawwabinejad, Shokuh. 1999. "Moshawereh az Didgah Islami dar Moghayeseh ba Nezam-hay Rayej Moshawereh-yi (Counseling from an Islamic Perspective Compared to Conventional Counseling Systems)", in: *Epistemological Studies in Islamic University*, yr. 2, no. 4, pp. 51-54. [in Farsi]
- Nuri, Azam. 2010. "Awamel Tahkim wa Estehkam Khanewadeh (Factors of Family Consolidation and Strength)", in: *Women and Family Studies*, yr. 3, no. 7, pp. 145-178. [in Farsi]
- Rashidpur, Majid. 2001. *Roshd Ejtemai az Nazar Islam (Social Maturity from the Point of View of Islam)*, Tehran: Parents and Teachers Community. [in Farsi]
- Sabzewari, Mohammad Bagher ibn Mohammad Momen. 2002. *Kefayah al-Ahkam (Self-sufficiency of Rulings)*, Qom: Islamic Publications Press, First Edition. [in Arabic]
- Salimi, Ali; Dawari, Mahmud. 2001. *Jamshenasi Kajrawi (Sociology of Deviance)*, First Book, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, First Edition. [in Farsi]
- Sotudeh, Hedayatollah; Mirzayi, Beheshteh; Pazand, Afsaneh. 2002. *Rawanshenasi Jenayi (Criminal Psychology)*, Tehran: Sound of Light. [in Farsi]
- Tamimi Maghrebi, Abu Hanifeh Noman ibn Mohammad. 2006. *Daaem al-Islam (Pillars of Islam)*, Qom: Al al-Bayt Institute (AS), Second Edition. [in Arabic]